

ارزیابی الگوی بومی مسکن ترکمن در طرح بهسازی مسکن روستایی (مطالعه موردی: دهستان آق آباد شهرستان گنبد کاوس)

دکتر عبدالحمید نظری^۱ - نویسنده مسئول
محمود پاک^۲

The evaluation of indigenous pattern of Turkmen's housing in "Improvement of rural housing" Plan

(Case study: AqAbad district in GonbadKavoos)

AbdolHamid Nazari¹
Mahmoud Pak²

دریافت: ۱۳۹۱/۷/۴

پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰

Received: 25/Sep/2012

Accepted: 30/Des/2012

Abstract

The indigenous pattern of rural housing is formed according to physical and ecological factors. It takes advantage of systemic approach in which all sub-systems have structural-functional links and evolve during the time. Nowadays, as understanding the ecology of rural housing in different parts of the country is important, the necessity of studying, maintaining and sustaining the indigenous patterns are important, too. / the "Improvement of rural housing" plan is considered as one of the most important physical plans that has broadly accepted by a large number of rural residents because of assigning low interest bank credits by the government. The plan has been successful in case of removal of deprivation and quake-resistant built-up, however, the plan has not achieved a lot of success in case of regarding the criteria of indigenous housing pattern. The present study has evaluated the "improvement of rural housing" plan in turkman sahra region based on the mentioned criteria. The applied method is an explanation-analytic one based on field study and field data collection. To do so, 280 households were selected based on a random sampling. The sample also was divided into two groups: the group of people who have benefited the bank credits and another group without using bank credits. The findings of the study indicate that the plan has successes and shortcomings. Successes include: the improving of rural culture in relation to plan and map of houses, regarding the security butter, and rebuilding energy-consuming pattern. Shortcomings include: location of the house inside yard, houses, direction, alteration of economic functions, and the height of the buildings.

Keywords: indigenous pattern of housing; the improvement of rural housing plan; housing credits; indigenous Turkmen housing; households benefiting credits.

چکیده

الگوی بومی مسکن روستایی هر ناحیه متأثر از عوامل طبیعی و اکولوژیکی شکل میگیرد و بر پایه نگرش سیستمی همه اجزای آن دارای پیوندهای ساختی - کارکردی بوده و همواره طی روندهای زمانی تکامل مییابند. امروزه از منظر توسعه پایدار همانطوریکه درک دقیق و درست از بومشناسی مسکن روستایی مناطق مختلف کشور حائز اهمیت است، شناسایی، حفظ و پایدارسازی الگوهای بومی نیز بسیار ضروری است.

طرح بهسازی مسکن روستایی یکی از مهمترین طرحهای کالبدی است که طی دهه اخیر به سبب اختصاص تسهیلات بانکی کم بهره از سوی دولت در سراسر کشور با استقبال فراوانی از طرف روستائیان روبرو شده است. اگرچه این طرح به لحاظ رفع محرومیت و مقاومتسازی موفقیت قابل ملاحظه‌ای داشته است، اما به نظر میرسد معیارهای مربوط به الگوی بومی مسکن را کمتر مورد توجه قرار داده است. این مقاله طرح بهسازی مسکن روستایی را در دهستان آق آباد واقع در شهرستان گنبد کاوس از این دریچه مورد ارزیابی قرار داده است.

شالوده روش تحقیق بر تبیین و تحلیل دادههای میدانی استوار است که با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه از ۲۸۰ خانوار نمونه بصورت تصادفی بدست آمده است. جامعه آماری نیز به دو گروه استفادهکنندگان تسهیلات بانکی (وام مسکن) و فاقد تسهیلات بانکی تقسیم شدند.

نتایج تحقیق نشان داد، اگرچه این طرح در زمینه ارتقاء فرهنگ روستائیان در زمینه تهیه نقشه و پلان واحدهای مسکونی، رعایت حریم امنیت و الگوی مصرف انرژی نتایج مثبتی داشته است، لیکن در زمینه بسیاری از معیارهای الگوی بومی مسکن ترکمن از جمله: جانمایی خانه در حیاط، جهتیابی خانه، تغییر کارکردهای اقتصادی (کاهش فضاهای مکمل) و ارتفاع بنا نتایج مناسبی نداشته است.

کلیدواژه‌گان: طرح بهسازی مسکن روستایی؛ الگوی بومی مسکن ترکمن؛ وام مسکن؛ توسعه پایدار؛ خانوار بهره‌مند از تسهیلات؛ خانوار فاقد تسهیلات.

۱. استادیار دانشگاه پیام‌نور

پست الکترونیک: ah_nazari_204@yahoo.com

1. Payam-e-noor University Assistant Professor

eMail: ah_nazari_204@yahoo.com

2. MA in Geography and Rural Planning

۲. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

مقدمه

مسکن به عنوان پناهگاه و اقامتگاه زائیده یکی از نیازهای اساسی جوامع انسانی است که عناصر سازنده آن بطور توأمان از محیط طبیعی، شیوه‌های زیستی - معیشتی و روابط اجتماعی و فرهنگ جامعه مورد نظر تأثیر پذیرفته است. این اثرپذیری از شرایط محیطی/ اکولوژیکی در مسکن عرصه‌های روستایی بسیار محسوس و ملموس تر است. به گونه‌ای که نه تنها فرم، نحوه ساخت و نوع مصالح بناها، بلکه چگونگی مکان‌گزینی خانه و هر یک از اجزا (عناصر مکمل) آنرا متناسب با تنوع کارکردی هر یک از سکونتگاه‌ها رقم می‌زند. بدین ترتیب بر پایه نگرش سیستمی همسنجی ساختی - کارکردی هر یک از عناصر و اجزای مسکن چنان پیوندی ایجاد می‌کنند که به مثابه یک سیستم پویا عمل کرده و هویت و ویژگی خاصی به مسکن روستایی می‌بخشد که در نهایت در بافت کلی و چشم‌انداز سکونتگاه‌ها تجلی می‌یابد. این ویژگی‌ها که تحت تأثیر نیروها و عوامل محیطی و فرهنگ مادی و معنوی جوامع روستایی تکوین و طی روندهای زمانی تکامل یافته‌اند، در مناطق مختلف جغرافیایی به صور مختلفی نمایان می‌شوند که از آن بنام «الگوی بومی مسکن» خاص آن منطقه یاد می‌شود.

امروزه از منظر توسعه پایدار همانقدر که درک دقیق و درست از بومشناسی مسکن مناطق مختلف روستایی کشور حائز اهمیت است، حفظ و پایدارسازی آن نیز بسیار ضروری و مهم می‌باشد. چرا که در دهه‌های اخیر الگوهای بومی مسکن تحت تأثیر عوامل مختلف به شدت در حال تطور و دگرگونی است. اگرچه بخشی از این تحولات بنا به ملاحظات زمانی و مکانی و تحت تأثیر پیوند با فرهنگ شهری ممکن است، اجتناب‌ناپذیر باشد، لیکن دخالت برخی عوامل برونزا، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه آنچنان ساختار نظام قبلی مسکن را برهم میزند که گاه به تضعیف و یا حذف کارکردهای واقعی روستاها منجر می‌شود. بویژه این دگرگونی در حوزه کارکردهای تولیدی سکونتگاههای روستایی چشمگیر است. طرح بهسازی مسکن روستایی که از سوی بنیاد مسکن انقلاب با هدف تامین مسکن برای محرومان شروع شده بود، طرحی «برونزا» محسوب می‌شود که در آغاز روندی بسیار کند و بطئی داشته است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ۲). اما در سال‌های اخیر ضمن تغییر جهت به سمت «مقاوم سازی مسکن» دامنه فعالیت‌هایش نیز به سبب اعطای تسهیلات بانکی هم به لحاظ کمی و هم کیفی بسیار گسترش یافته است. در این میان اگرچه در اسناد برنامه‌های توسعه به مقولات مختلفی از قبیل برقراری عدالت اجتماعی و توسعه پایدار مسکن، مقاومسازی و هویتبخشی به

معماری بومی تأکید شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸: ۳۱۵-۳۱۷ و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵: ۳۷۳-۳۷۵)، لیکن به نظر می‌رسد، مجریان برنامه در عمل اهداف «مقاوم سازی» و «عدالت اجتماعی» را بیشتر ملحوظ داشته و مقوله رعایت الگوی معماری بومی مسکن را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. از اینرو نویسندگان مقاله حاضر موضوع اخیر را وجه همت خود قرار داده و از این منظر طرح بهسازی مسکن روستایی را در قلمرو جغرافیایی یکی از دهستانهای شهرستان گنبد کاوس (دهستان آق آباد) مورد ارزیابی قرار داده‌اند. بدین ترتیب درصدد پاسخگویی به این سؤال اساسی هستند که معیارهای بوم‌شناختی الگوی مسکن ترکمن تا چه حدی در طرح‌های بهسازی مسکن روستایی از سوی متولیان امور مورد توجه قرار گرفته است؟

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

شناخت الگوی مسکونی در گام نخست مستلزم درک مفهوم مسکن و ارائه تعریفی از آن است. نظر به گستردگی و تنوع حوزه مطالعه مسکن، صاحب‌نظران متناسب با رویکردها و حوزه‌های تخصصی خود تعاریف متفاوتی از آن داشته‌اند. برخی معتقدند که مسکن مفهومی چندوجهی است که مفاهیمی مانند آسایش و امنیت، بیان هویت و پایگاه اجتماعی ساکنان و غیره را در بر می‌گیرد (Werner, C.M; Altman, I: 1986) برخی در تعریف مسکن از مفهوم سیستم قرارگاه‌ها استفاده می‌کنند و مسکن را مانند سیستمی از قرارگاه‌ها تعریف می‌کنند که فعالیت‌های خاصی در آن جریان دارد (low.s&chambers, E, 1989). از دیدگاه را پوررت مسکن بخشی از محیط ساخته شده می‌باشد که روابط میان مردم و مردم، مردم و اشیاء، اشیاء و اشیاء را در بردارد (Rapoport, A; 1977). او با تکیه بر نگرش سیستمی می‌گوید که مسکن صرفاً یک سرپناه فیزیکی در قلمرو سکونت نمی‌باشد، بلکه مانند بخشی از سیستم فرهنگی سکونت است که مجموعه خاصی از فعالیت‌ها در درون آن رخ می‌دهد. با این نگاه وی مسکن را سیستمی از قرارگاه‌ها می‌داند که در آن قرارگاه‌ها الگوی خاصی از فعالیت‌هایی را که در درون آن شکل می‌گیرد، شامل میشود. یک قرارگاه شامل محیط کالبدی است که یک وضعیت از رفتارهای قابل پیشبینی و مداوم را تعریف می‌نماید. فعالیت شامل خود فعالیت، چگونگی انجام آن، ارتباط با دیگر فعالیت‌ها و معنای فعالیت است. چگونگی انجام فعالیت‌ها و معنا و رابطه میان آنها کاملاً وابسته به عوامل فرهنگی گروهی است که فعالیت در آن انجام می‌گیرد. از سوی دیگر مکان و خصوصیات کالبدی موجود در آن نیز متأثر از فرهنگ می‌باشد (Rapoport, A; 2005).

۱۴۸۰ خانوار مبنای محاسبه قرار گرفت و چون هیچ اطلاعی از آمار گروه دوم نداشتیم، این نسبت را برای گروه دوم نیز تعمیم دادیم و سپس با استفاده از فرمول کوکران تعداد حجم نمونه ۲۸۰ خانوار تعیین و به نسبت مساوی بین دو گروه تقسیم شدند. برای انتخاب خانوارهای نمونه نیز کلیه روستاهای مورد مطالعه را تحت پوشش قرار داده و از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

داده‌های جمع‌آوری شده ابتدا در بسته نرم‌افزار SPSS ثبت و سپس در مرحله استخراج و تنظیم آنها از جداول دوبعدی و چندبعدی بهره‌جسته‌ایم. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز ضمن بهره‌گیری از شاخص‌های مرکزی آمار توصیفی نظیر میانگین و نسبتها، از آزمونهای T-Test، کای اسکور و کولوموگراف - اسمیرنف نیز استفاده گردید.

معرفی اجمالی ناحیه مورد مطالعه

دهستان آق‌آباد با مساحتی معادل ۴۴ کیلومتر مربع در شمال شرق بخش مرکزی شهرستان گنبد کاووس و حد فاصل مختصات جغرافیایی ۲۳-۳۷ تا ۳۳-۳۷ درجه عرض شمالی و ۵۹-۵۴ تا ۲۲-۵۵ درجه طول شرقی واقع شده است. فاصله مرکز دهستان نسبت به شهر گنبد کاووس حدود ۱۲ کیلومتر می‌باشد. براساس سرشماری عمومی ۱۳۸۵ این دهستان شامل ۲۷ آبادی مسکونی، ۵۹۲۲ خانوار و ۲۹۶۷۸ نفر جمعیت می‌باشد (مرکز آمار ایران: سرشماری ۱۳۸۵). که بیشتر آنها را ترکمن‌های منسوب به طوایف و تیره‌های مختلفی چون آق‌آتابای، قجق، قانیوقماز، داز، مختوم و آتا تشکیل می‌دهند که در اوایل سده حاضر به شکل کوچنشینی امرامعاش می‌کردند و هم‌اکنون کاملاً یکجانشین شده و به کشاورزی و دامپروری می‌پردازند.

غلبه اقلیم نیمه خشک از یک سو واز سوی دیگر وجود تپه ماهورهای لسی با کاربری مرتعی در قسمت شمالی دهستان و اراضی حاصلخیز جلگه‌ای گرگانرود در قسمت جنوبی آن سبب شده است که علاوه بر الگوی استقرار خطی آبادی‌ها در امتداد این رودخانه، شالوده معیشت و اقتصاد ساکنان آن بر زراعت و دامپروری پی‌ریزی شود. اقتصادی که به لحاظ پیشینه بیشتر متأثر از الگوی کوچ‌نشینی بوده و در سالهای اخیر با زراعت مکانیزه درهم آمیخته و به واسطه نزدیکی به شهر گنبد کاووس به نوعی با کارکردهای شهری (خدمات/صنعت) گره خورده است. بدینسان مجموعه عوامل مذکور ویژگی خاصی به ناحیه مورد مطالعه بخشیده است که از یک سو به سبب دیرپایی فرهنگ عشایری و از سوی دیگر کشاورزی در حال گذار از شکل سنتی به شکل تجاری در کنار تأثیرپذیری از فرهنگ شهری وجه غالب آن به صورت

بدین ترتیب مشخص می‌شود که بر پایه نگرش سیستمی کلیت مسکن فراتر از جمع عناصر تشکیل‌دهنده آن است و همانطور که شناخت اجزا بدون شناخت کل غیرممکن خواهد بود، شناخت کل نیز بدون شناخت اجزا امکانپذیر نخواهد بود. زیرا کلیت سیستم بیانگر کیفیت‌های تازه‌ای است که عناصر تشکیل‌دهنده سیستم جزء و جزء دارای آن کیفیت نیستند (دوران، ۱۳۷۰: ۱۷). از سوی دیگر هر سیستمی ساخت و کارکردهایی دارد که به صورت علی- معلولی با هم مرتبط بوده و طی روندهای زمانی همواره دستخوش تغییر قرار می‌گیرند. بنابراین الگوی بومی مسکن نیز متناسب با عوامل مؤثر در شکلگیری آنها یعنی عوامل محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روابط میان آنها به مثابه سیستمی عمل میکنند که ضمن شناخت ویژگیهای ساختی و کارکردی هر یک از اجزا شناخت کلیت یکپارچه سیستم نیز الزامی است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع بنیادی- کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی توصیفی- تحلیلی است که به شیوه پس‌رویدادی به ارزیابی طرح بهسازی مسکن روستایی می‌پردازد. فرآیند گردآوری داده‌ها هم به روش اسنادی و هم پیمایشی است که به عملیات پیمایشی بواسطه ژرف‌اندیشی و جزئی‌نگری و به سبب بهره‌گیری از تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه و برداشت از تپ‌های مختلف مسکن آگاهانه وزن بیشتری داده شده است. جامعه آماری تحقیق را خانوارهای ساکن در ۲۷ روستای دهستان آق‌آباد گنبد کاووس تشکیل می‌دهند که بر مبنای سرشماری ۱۳۸۵ تعداد آنها ۵۹۲۲ واحد می‌باشد. نظر به تعدد خانوارها از روش نمونه‌گیری تصادفی بهره‌جسته‌ایم. بدین ترتیب به منظور ارزیابی دقیقتر نقش برنامه‌های دولت جامعه موردنظر به دو گروه:

- ۱- سازندگان خانه با استفاده از وام مسکن (گروه با تسهیلات)
 - ۲- سازندگان خانه بدون استفاده از وام (گروه بدون تسهیلات)
- تقسیم گردید. درواقع پروژه‌های گروه نخست که از تسهیلات دولتی (وام مسکن) بهره‌می‌برند، به سبب کنترل و نظارت بیشتر از سوی دستگاه‌های اجرایی زیر مجموعه طرح بهسازی مسکن قرار می‌گیرند و مسکن گروه دوم تا حدودی بیانگر الگوی بومی مسکن منطقه می‌باشند، لذا مقایسه الگوی مسکن این دو گروه می‌تواند در نیل به هدف مقاله کمک نماید.

بر این اساس برای تعیین حجم نمونه ابتدا با توجه به اطلاعات مأخوذه از بنیاد مسکن شهرستان گنبد کاووس که حدود ۲۵ درصد از اهالی دهستان مذکور از تسهیلات وام مسکن بهره‌برده‌اند، تعداد

نحوه طراحی پلان و تهیه نقشه

در گذشته کمتر پیش می‌آمد که قبل از اقدام به خانه‌سازی نقشه آن تهیه شود، لذا در الگوی بومی پلان خانه‌ها بسیار ساده و از چند اتاق کنار هم تشکیل میشد که معمولاً خود شخص یا بناهای محلی با استفاده از تجربیات خود آن را می‌ساختند. اما امروزه به علت تأثیر فرهنگ شهری و نوگرایی در زندگی و نیز الزامات مقرراتی، تهیه نقشه ساختمان قبل از اجرای آن ضرورت دارد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن هستند که تمامی جامعه نمونه خانه‌های خود را با نقشه‌های از قبل طراحی شده احداث کرده‌اند. اما نکته درخور توجه اینکه در گروه دریافتکننده تسهیلات ۱۰۰ درصد نقشه‌ها توسط مهندسان ساختمان و معماری طراحی شده است، درحالی‌که در گروه فاقد تسهیلات این نسبت ۵۶/۹ درصد میباشد. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که گرچه الزامی بودن تهیه نقشه بر دریافت وام تأثیر بسزایی در رعایت مقررات دولتی داشته است، لیکن تهیه نقشه‌های مهندسی از سوی بیش از ۵۰ درصد جامعه سنتی روستا نیز جای تأمل دارد. به نظر میرسد این اقدام دولت بطور غیرمستقیم در فرهنگسازی جامعه روستایی مؤثر افتاده، و از پیامدهای جانبی طرح بهسازی مسکن تلقی میشود.

نحوه تهیه زمین و مساحت فضای خانه

یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در الگوی مسکن روستایی نحوه تهیه زمین، مساحت حیاط و زیربنای خانه است. در اینجا با توجه به شناخت محلی از چگونگی تأمین زمین مسکونی جامعه موردنظر در چهار گروه بشرح ذیل دسته‌بندی شدند:

- ۱- خانوارهایی که خانه‌های قبلی خود را تخریب و در همان محل به بازسازی آن مبادرت کرده‌اند.
- ۲- خانوارهایی که خانه‌های خود را در فضای خالی حیاط قبلی بنا نموده‌اند.
- ۳- خانوارهایی که فاقد حیاط بوده و زمین مورد نیاز خود را از دیگران خریداری کرده‌اند.

دوگانگی «سنت» در مقابل «مدرنیته» هویدا گشته است. به گونه‌ای که جلوه‌های تعارض «پایایی» فرهنگ مادی و معنوی پیشین را با «پویایی» حاصله از پیوند با کانونهای شهری می‌توان به وضوح در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی جوامع ساکن در روستاهای مورد مطالعه مشاهده نمود.

تبیین و تحلیل یافته‌ها

شناسایی الگوی مسکن بومی ناحیه مورد مطالعه مستلزم کنکاش در مجموعه عوامل و مؤلفه‌هایی است که بر آن اثر گذاشته و عناصر و اجزای مختلف مسکن را در جنبه‌های ساختی و کارکردی شکل داده باشد. بی‌تردید نقش عوامل محیط طبیعی به عنوان بستر تکوین جوامع انسانی بر شیوه زندگی و معیشت آنان تعیین کننده خواهد بود که به نوبه خود این امر سایر ابعاد آنرا متأثر می‌سازد. مسکن نیز به عنوان اقامتگاه انسانی از این قاعده کلی مستثنی نمیباشد. تجلی این گونه اثرپذیری مسکن از عوامل محیطی را در بهره‌گیری از مصالح بومی، همسازی با عناصر اقلیمی به لحاظ جهتایی ساختمان در مقابل نور، طراحی پلان و فرم بنا، ارتفاع، شکل و نوع پوشش سقف، ابعاد و اندازه بازشوها ملاحظه نمود.

از سوی دیگر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی مانند تنوع فعالیتها، اندازه و نوع خانوار (هسته‌ای - گسترده) در کنار تکنیک و ابزار ساخت بناها به گونه‌ای در هم می‌آمیزند تا در هر مقطعی از روندهای زمانی الگوهای خاصی از مسکن بوجود آیند. شایان ذکر است نظر به اینکه تکوین و استقرار روستاهای مورد مطالعه همزمان با اعمال سیاست تخته قاپوی عشایر شکل گرفته‌اند، به شدت از الگوی استقرار آلایحی‌های دوران کوچندگی تأثیر پذیرفته‌اند بعلاوه بررسی‌ها نشان می‌دهند که از زمان اسکان اولیه تاکنون دست کم چهار یا پنج تیپ مسکن روستایی در ترکمن صحرا قابل شناسایی است (نظری، ۱۳۷۲: ۱۱۸-۱۵۱). بر این اساس یافته‌های تحقیق حاضر در ارتباط با معیارها و شاخص‌هایی اثرگذار در تحولات الگوی مسکن بومی ترکمن بشرح ذیل مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

جدول (۱): مقایسه نحوه تهیه نقشه ساختمان در هر گروه جامعه آماری

گروه‌بندی جامعه	مهندسين و ساختمان و معماری		خود اشخاص		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خانوارهای با تسهیلات	۱۴۰	۱۰۰	-	-	۱۴۰	۱۰۰
خانوارهای بدون تسهیلات	۷۸	۵۶/۹	۵۹	۴۳/۱	۱۴۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های میدانی

جدول (۲): مقایسه نحوه تهیه زمین مسکونی، مساحت حیاط و زیربنای ساختمان میان دو گروه جامعه نمونه

گروه‌بندی جامعه	بازسازی در محل خانه قبلی		فضا خالی حیاط قبلی		خرید زمین جدید		تغییر کاربری زراعی و باغی		میانگین مساحت حیاط m^2	میانگین مساحت زیربنا m^2
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	تعداد
گروه با تسهیلات	۲۴	۱۳/۶	۷۲	۵۳/۶	۳۱	۲۰	۱۳	۱۲/۸	۳۷۸/۲	۹۲/۲
گروه بدون تسهیلات	۲۰	۱۶/۴	۷۸	۵۱/۴	۲۳	۱۳/۶	۱۹	۱۸/۶	۷۰۳/۶	۱۰۶/۶

مأخذ: یافته‌های میدانی

مسکونی جامعه مورد نظر می‌باشد. جامعه‌ای که بناهای مسکونی آنها هنوز به شدت از شیوه‌های معیشتی پیشین‌شان تأثیر می‌پذیرد.

جانمایی خانه اصلی و فضاهای مکمل جانبی

جانمایی خانه اصلی

در الگوی بومی مسکن ترکمن محل استقرار خانه اصلی شبیه الگوی کوشکی معمولاً در وسط حیاط قرار دارد. نحوه استقرار خانه نسبت به خانه‌های مجاور نیز غالباً به شکل خطی آرایش می‌یابد. چنین الگوی استقرار زائیده ساختار ایلی و نظام معیشتی گروهی آنها در واحدهایی مرسوم به «اوبا»^۱ بوده است. در چنین الگویی معمولاً خانه مسکونی در وسط حیاط و تمام عناصر مرتبط با دام و زراعت پیرامون آن استقرار می‌یافتند. تنوع تعداد عناصر مذکور حسب توان اقتصادی خانوارها تفاوت می‌کرد. خانوارهایی که منابع معیشتی مختلط (دامداری، زراعت، باغداری) داشتند، حیاطهای وسیعتری نسبت به خانوارهای دیگر داشتند. در هر حال از زمان اسکان اولیه تا حدود یکی- دو دهه اخیر چشمانداز عمومی حیاطهای ترکمنشین الگوی نسبتاً مشابهی داشت که در آن مجموعه عناصر مرتبط با خانه اصلی پیرامون آن جانمایی می‌شد. نحوه آرایش و قرارگیری این عناصر متناسب با اهمیت و جایگاه هر یک از آنها در اقتصاد خانوار تفاوت می‌کرد. معمولاً عناصر ارزشمندتر در مقابل خانه اصلی و در معرض دید اعضای خانوار قرار می‌گرفت. جدای از اثر بخشی عامل معیشتی، چنین نظام استقراری از خانه اصلی و فضاهای جانبی اش به واسطه امکان

۴-خانوارهایی که از طریق تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی خود به کاربری مسکونی مبادرت به احداث خانه کرده‌اند. مقایسه یافته‌های تحقیق در میان دو گروه دریافت‌کنندگان تسهیلات و فاقد تسهیلات نتایج جالبی را نشان می‌دهد. چرا که در میان گروه اول تعداد افرادی که خانه‌های خود را در زمین قبلی بازسازی کرده و یا زمین جدید خریداری کرده‌اند، بیش از گروه دوم است. برعکس در میان خانوارهای گروه دوم تعداد کسانی که در فضاهای خالی حیاط قبلی و یا از طریق تغییر کاربری اراضی اقدام به ساخت‌وساز کرده‌اند، بیش از گروه اول بوده است. مقایسه این داده‌ها با میانگین مساحت حیاط و زیربنای خانه‌های دو گروه نتایج جالب‌تری را نشان می‌دهد. زیرا این شاخص‌ها در میان خانوارهای فاقد تسهیلات به ترتیب برابر ۷۰۳/۶ و ۱۰۶/۶ مترمربع و در میان دریافت‌کنندگان تسهیلات معادل ۳۷۸/۲ و ۹۲/۲ مترمربع می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که دریافت‌کنندگان تسهیلات غالباً جزو خانوارهای فقیرتر و گروهی که از تسهیلات دولتی بهره‌برده‌اند، خانوارهای متمول‌تری بوده‌اند. زیرا خانوارهای متمول‌تر منابع معیشتی متنوع‌تری نسبت به خانوارهای وام‌گیرنده خواهند داشت که این عامل موجب شده است شاخص‌های اشغال فضای آنها بیشتر از افراد تحت پوشش دولت باشد.

نکته درخور توجه اینکه براساس ضوابط بنیاد مسکن الگوی مساحت زیربنای خانه برای اعطای تسهیلات حداکثر ۸۰ مترمربع می‌باشد، لیکن این شاخص در عمل به ۹۲/۲ مترمربع افزایش یافته است. همچنین طبق ضوابط مصوب طرح‌های هادی روستاهای مورد مطالعه الگوی تفکیک حیاطها ۲۰۰ مترمربع بوده است اما در عمل این شاخص در میان دریافت‌کنندگان تسهیلات حدود ۱/۹ برابر و در میان خانوارهای فاقد تسهیلات ۳/۵۱ برابر افزایش داشته است که حاکی از عدم دقت برنامه‌ریزان در شناخت الگوهای

۱. اوبا: Oba - در نظام عشایری سابق ترکمن‌ها به مجموعه‌ای از چند خانوار ساکن در یک مکان که دارای همسنگی‌های خوشاوندی و منافع اقتصادی مشترک باشند، اطلاق می‌شود. در حال حاضر این عنوان از سوی ترکمنها برای کلبه روستاهای اسکان‌یافته (فعلی) نیز بکار می‌رود.

جدول (۳): مقایسه موقعیت خانه و نوع کاربری آن در دو گروه از جامعه نمونه

نوع کاربری		موقعیت خانه				گروه‌بندی خانوار	
		مسکونی		کنار معابر			
تجاری- مسکونی	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
گروه با تسهیلات	۳۵	۸۲	۱۱۵	۵۰	۷۰	۵۰	۷۰
گروه بدون تسهیلات	۴۷	۶۶/۴	۹۳	۵۰	۷۰	۵۰	۷۰

مأخذ: یافته‌های میدانی

شدت جانمایی خانه اصلی را تحت تأثیر قرار داده است. به گونه‌ای که امروزه جابجایی خانه اصلی از وسط حیاط به کنار خیابان و کوچه‌ها و نیز احداث خانه‌های دو طبقه با کارکردهای تلفیقی (مسکونی- تجاری/ مسکونی- صنعتی) یکی از ویژگی‌های بارز بافت روستاهای مورد مطالعه بشمار می‌رود.

یافته‌های میدانی حاکی از آن هستند که گرایش به حاشیه معابر در هر دو گروه دریافت‌کنندگان تسهیلات و فاقد تسهیلات مشابه هم هستند. بطوری که نیمی از جامعه مذکور خانه‌های خود را در کنار خیابان یا کوچه بنا کرده‌اند. همچنین ۳۳/۶ درصد خانوارهای فاقد تسهیلات منازل خود را با کاربری تجاری- مسکونی ساخته‌اند. این درحالی‌ست که علی‌رغم اعمال محدودیت‌های قانونی در ساخت خانه با کاربری تجاری- مسکونی در گروه دریافت‌کنندگان تسهیلات ۱۸ درصد آنها خانه‌های خود را بدین شکل ساخته‌اند.

جریان هوا در هنگام شرحی بودن با شرایط اقلیمی ناحیه نیز کاملاً سازگار می‌باشد.

اما در سال‌های اخیر الگو برداری از معماری شهری چه از سوی مهندسان طراح و چه از سوی خود روستاییان که گاه ناشی از الزامات و صرفه‌جویی‌های اقتصادی و گاه غفلتاً به سبب سلطه فرهنگ شهری انجام می‌پذیرد، نحوه مکان‌یابی خانه‌های روستایی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. کوچک شدن فضاهای حیاط‌ها، گرایش به تغییر کارکردهای اقتصادی از بخش کشاورزی به بخش‌های خدمات و صنعت از تحولات اجتناب‌ناپذیر دهه‌های اخیر می‌باشد که لاجرم به حذف برخی عناصر قبلی منجر شده است. حذف تدریجی دآمداری‌های خانگی و جایگزینی فعالیت‌های جدید مثل کارگاه‌های صنعتی و واحدهای تجاری و نیز ملاحظات اقتصادی در کاهش هزینه‌های لوله‌کشی آب، گاز و برق و تلفن به

جدول (۴): مقایسه توزیع انواع ضمائیم خانه (کارکردهای جانبی خانه) میان دو گروه جامعه نمونه

بدون تسهیلات		با تسهیلات		ضمائیم جانبی خانه
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۸/۶	۱۲	۴/۳	۶	انبار محصولات و ادوات کشاورزی
۱۷/۱	۲۴	۴/۳	۶	انبار آذوقه
۱۶/۴	۲۳	۱۲/۱	۱۷	کاراژ و پارکینگ
۱۷/۱	۲۴	۵/۷	۸	فضای نگهداری دام
۸/۶	۱۲	۸/۶	۱۲	باغچه
۳۲/۱	۴۵	۶۵	۹۱	فاقد فضای جانبی
۱۰۰	۱۴۰	۱۰۰	۱۴۰	جمع

مأخذ: یافته‌های میدانی

فضاهای مکمل جانبی خانه

در خانه‌های روستایی جدای از ساختمان مسکونی، فضاهای مکمل جانبی دیگری با کارکردهای خاص وجود دارند که از وجوه متمایز آن با خانه‌های شهری است. در الگوی بومی مسکن ترکمن تلفیق معیشت دامی - زراعی گونه خاصی از ترکیب عناصر هردو معیشت را بوجود آورده است که ضمن جدایی‌گزینی فضاهای دامی از فضاهای زراعی به لحاظ مکانیابی عناصر جزئی دارای نظم خاصی هستند. یافته‌های میدانی گویای آن هستند که طرح بهسازی مسکن درخصوص حفظ کارکردهای سنتی خانه‌های روستایی توفیق چندانی نداشته است. زیرا فقط ۳۵ درصد اینگونه خانه‌ها دارای کارکردهای جانبی مسکن بوده‌اند که حدود ۲۰/۷ درصد آن مربوط به کارکردهای جدید (کاراژ و باغچه) است. اما در گروه بدون تسهیلات که به الگوی بومی نزدیک‌ترند، سهم خانه‌های دارای کارکردهای جانبی بالغ بر ۶۷/۹ درصد بوده است. اگرچه ممکن است بخشی از این تحولات به ساختار اجتماعی (جوان بودن) سازندگان گروه با تسهیلات مربوط بوده باشد که بدلیل نداشتن زمین زراعی ضرورتی بر احداث چنین فضاهایی نداشته‌اند. اما کاهش سهم فضاهایی مثل انبار کشاورزی، انبار آذوقه، خاصه کاهش شدید فضاهای مربوط به دامداری تا حدودی بیانگر بی‌توجهی به این مساله است و جای بسی تأمل دارد.

فرم و جهت‌یابی خانه

دسترسی مستقیم به آفتاب یکی از پارامترهای مهم نه فقط برای جهت‌یابی ساختمان بلکه برای طراحی فرم و شکل ساختمان است. زیرا تغییرات روزانه و فصلی مواضع خورشید در آسمان به نحو بارزی چگونگی آرایش مسکن و شکل و معماری آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بدین منظور نوسانات زوایای تابشی خورشید برای عرض ۳۷ درجه که قابل تعمیم برای منطقه مورد مطالعه است، در مقاطع مختلف سال بشرح ذیل بدست آمده است (رهنمایی: ۱۳۶۹، ۲۳).

جدول (۵): مقایسه جهت‌یابی خانه‌ها در بین گروه‌های جامعه نمونه

غرب		شرق		جنوب		شمال		گروه‌بندی جامعه
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱/۴	۲	۲۰	۱۴	۷۲/۲	۱۰۱	۱۶/۴	۲۳	با تسهیلات
۶/۵	۹	۱۳/۹	۱۹	۶۳/۵	۷۸	۱۶/۱	۲۲	بدون تسهیلات

مأخذ: یافته‌های میدانی

- برای اول فروردین و مهر ماه ۵۳ درجه

- برای اول تیرماه ۴۵/۷۶ درجه

- برای اوایل دی ماه ۵۵/۲۹ درجه

ملاحظه می‌کنید که اختلاف زاویه تابش آفتاب در بالاترین و پایین‌ترین حالات خود به ۴۶/۹ درجه میرسد. بنابراین پایین بودن زاویه تابش در زمستان همراه با بالا بودن تعداد روزهای ابری در این فصل تأثیر خاصی را بر جهت‌یابی و فرم ساختمان‌های مسکونی گذارده است.

جهت‌یابی ساختمان

در الگوی بومی مسکن ترکمن جهت‌یابی خانه‌ها غالباً به سمت جنوب می‌باشد، منتها محور اضلاع شمالی - جنوبی آنها دقیقاً با محور طول جغرافیایی منطبق نبوده و با زاویه‌ای حدود ۱۰ تا ۱۵ درجه به سمت شرق تمایل دارد. شایان ذکر است طبق مطالعه‌ای که توسط دفتر فنی و دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی انجام گرفته است، بهترین حالت برای دریافت نورخورشید نیز همین حالت آرایش گزارش شده است (طاهباز: ۱۳۶۰، ۱۰۱).

یافته‌های میدانی ما حاکی از آن هستند که در الگوهای قدیمی خانه‌سازی بیش از ۹۵ درصد خانه‌ها جهت‌یابی جنوبی داشته‌اند، لیکن امروزه نحوه دسترسی به معابر بر تفکیک قطعات مسکونی و مآلاً بر نحوه جهت‌یابی بناها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. بطوریکه حدود ۳۶/۵ درصد خانه‌های گروه بدون تسهیلات و ۲۷/۷ درصد خانه‌های با تسهیلات رو به آفتاب نبوده‌اند.

فرم خانه

تا قبل از دهه ۱۳۶۰ فرم الگوی بومی خانه‌های ترکمنی در حوزه روستاهای مورد مطالعه، مستطیلی شکل بوده‌است. به گونه‌ای که اتاق‌ها به صورت ردیفی در کنار هم به یک ایوان در سمت جنوب متصل بودند. این خانه‌ها در همه جهات دارای بازشوهایی

جدول (۶): مقایسه اجزای واحدهای ساختمانی در میان دو گروه از جامعه نمونه

گروه‌بندی جامعه	متوسط تعداد اتاق	دارای هال (درصد)	دارای ایوان (درصد)	دارای آشپزخانه (درصد)	حمام داخل خانه (درصد)	توالت داخل خانه (درصد)
با تسهیلات	۳/۰۴	۹۶/۴	۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۴/۳
بدون تسهیلات	۳/۳۹	۹۵/۷	۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۷

مأخذ: یافته‌های میدانی

نخست بین ۱ تا ۷ اتاق و در گروه دوم بین ۲ تا ۴ اتاق تفاوت میکند.

به نظر می‌رسد محدودیت رعایت ضابطه احداث واحدهای ۸۰ متری در کاهش این شاخص در خانه‌های تسهیلاتی نقش زیادی داشته است. در خصوص سایر پارامترها تفاوت چندانی بین خانه‌های تسهیلاتی و فاقد تسهیلات وجود ندارد.

ملاحظات امنیتی حریم خانه

یکی از ویژگی‌های الگوی بومی مسکن ترکمن صحرا بافت باز آن است که خانه‌ها با فاصله‌های زیاد نسبت به هم و حیاط‌ها بدون عناصر تفکیک‌کننده مشخص می‌شود و اگر از وجود برخی حصارهای پرچینی در پیرامون «جارها» صرف‌نظر شود، عملاً هیچ مانعی بین خانه‌های همسایگان به چشم نمی‌خورد. به عبارت دیگر مرز بین حیاط با همسایگان قابل تشخیص نبود. درحالی‌که امروزه دیوارکشی و ساختن درب ورودی حیاط به سرعت در حال گسترش می‌باشد. به نظر می‌رسد اهمیت یابی مالکیت خصوصی و تغییر

بازشوهایی بوده‌اند. اما فرم بیشتر خانه‌های امروزی به شکل مربع و یا چند ضلعی نزدیکتر است. در الگوی امروزی جدای از ایوان در پیشانی ساختمان طراحی یک فضای عمومی به نام «هال» در میان اتاق‌ها غلبه دارد. بطوریکه ۹۵/۷ درصد آنها دارای هال بوده‌اند. جدای از آن ارتفاع پنجره‌ها در الگوهای قدیمی از کف اتاق معمولاً حدود نیم متر می‌باشد. درحالی‌که در الگوهای جدید این ارتفاع بیش از یک متر است. بعلاوه احداث توالت در داخل خانه اصلی و آشپزخانه باز (open) به شدت رواج یافته است. به گونه‌ای که ۱۰۰ درصد هر دو گروه مورد مطالعه دارای آشپزخانه و حمام در داخل ساختمان مسکونی خود هستند. اما ساخت توالت بهداشتی در درون خانه اصلی عمومیت نیافته و تنها ۷ درصد آنها در داخل ساختمان قرار دارند.

این بررسی نشان می‌دهد که میانگین تعداد اتاق در خانه‌های بدون تسهیلات بیشتر از خانه‌های تسهیلاتی بوده است. به گونه‌ای که این شاخص به خانه‌های بدون تسهیلات ۳/۳۹ واحد و برای خانه‌های تسهیلاتی ۳/۰۴ واحد بوده و دامنه نوسانات آن در گروه

جدول (۷): مقایسه وضعیت انواع دیوار در پیرامون حیاط بین دو گروه جامعه نمونه

نوع دیوار	با تسهیلات		بدون تسهیلات	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آجری	۳۴	۲۴/۳	۴۰	۲۸/۶
بلوکی	۳۴	۲۴/۳	۲۹	۲۰/۷
چینه گلی	۶	۴/۳	۸	۵/۷
فاقد دیوار	۶۶	۴۷/۱	۶۳	۴۵
جمع	۱۴۰	۱۰۰	۱۴۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های میدانی

۱. جار jar قطعات زمینی کوچکی هستند که پیرامون خانه‌ها قرار دارند و با کارکردهایی مثل کشت علوفه، محل دپوی کاه، نگهداری دام‌های نوزاد و ... مشخص می‌شوند.

جدول (۸): آزمون T-Test در میان دو گروه مستقل از خانوارها برای شاخص‌های متوسط مساحت حیاط، زیربنا و تعداد اتاق

مقدار t	درجه آزادی	معناداری	گویه‌ها
-۲/۲۷۱	۲۷۱	۰/۰۲۴	متوسط مساحت حیاط
-۱/۹۶۲	۲۷۵	۰/۰۵۱	متوسط مساحت زیربنا
-۳/۱۷۷	۲۶۴	۰/۰۰۲	متوسط تعداد اتاق

کالبدی است و نه صرفاً فعالیت‌های مجرد، بلکه حاصل هر دو است. از سوی دیگر بر مبنای نگرش سیستمی مسکن قرارگاه‌هایی است که هر یک از اجزا و عناصر آن با ساخت و کارکردهای مشخص، کلیت یکپارچه مسکن را مشخص می‌سازند. کلیتی که حاصل تعامل میان عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بومی یک ناحیه و قلمرو جغرافیایی می‌باشد.

الگوی مسکن ناحیه مورد مطالعه اگرچه ممکن است از حیث خصوصیات جغرافیایی و اقتصادی هم‌سنخی و تشابهات عامی را با دیگر نقاط روستایی کشور داشته باشد، اما از منظر ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی پایداری تأمل برانگیزی را در حفظ پارهای موارث پیشین در خود دارد، که می‌تواند به عنوان الگوی بومی خاص جامعه ترکمن بحساب آید. بر این اساس اهم نتایج حاصله از این تحقیق را می‌توان بشرح ذیل جمع‌بندی نمود:

- مقایسه شاخص نحوه طراحی پلان و نقشه خانه‌ها در میان دو گروه، دریافت‌کنندگان تسهیلات و فاقد تسهیلات نشان داد که گرچه نقشه ۱۰۰ درصد خانه‌های گروه نخست به دلیل الزامات قانونی توسط مهندسان و معماران تهیه شده است، اما در عمل ۳۴/۱ درصد آنها در هنگام ساخت بنا، مطابق نقشه مصوب عمل نکرده‌اند. این در حالی است که تنها ۵۶/۹ درصد گروه دوم با استفاده از نقشه‌های فنی بناهای خود را ساخته‌اند.

- مقایسه شاخص مساحت حیاط نشان داد باتوجه به اینکه میانگین آن در میان دریافت‌کنندگان وام ۳۷۸/۲ مترمربع و در گروه دوم ۷۰۳/۶ مترمربع می‌باشد، الگوی مسکن بومی در میان گروه اول رعایت نشده است.

نوع خانوارها (از «شکل گسترده» به «شکل هسته‌ای») (که تحت نفوذ فرهنگ شهری نمود یافته است) و نیز بهم خوردن بافت همسایگی سابق (که امروزه به دلیل ورود غریبه‌ها انسجام قبلی را از دست داده)، ضرورت تحدید حریم‌های سکونتی را نسبت به قبل بیشتر ساخته و در نتیجه به گسترش دیوارکشی و نصب درب حیاط‌ها انجامیده باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که حیاط‌های بالغ بر نیمی از جامعه مورد مطالعه (با تسهیلات ۵۲/۹ درصد - بدون تسهیلات ۵۵ درصد) دارای دیوار بوده‌اند، این در حالی است که سهم خانه‌های دارای دروازه در گروه دریافت‌کنندگان تسهیلات ۴۳/۴ درصد و گروه فاقد تسهیلات ۳۲/۴ درصد بوده است. این بررسی نشان داد که سهم مصالح جدید (آجر و بلوک) نسبت به مصالح قدیم (چینه گلی) در ساخت دیوارهای دو گروه تفاوت محسوسی دارد.

الگوی مصرف انرژی

یکی از نکات مهم در برنامه بهسازی مسکن روستایی تلاش در بهینه‌سازی مصرف انرژی می‌باشد. تا هم صرفه‌جویی در مصرف انرژی را بدنبال داشته و هم از تحمیل هزینه اضافی به دوش روستائیان بکاهد. در این زمینه متغیرهایی مثل شکل، ابعاد و موقعیت بازشوهای (درب و پنجره) ساختمان و نیز مصالح مورد استفاده در آنها و شیوه ساخت بویژه پنجره‌های دوجداره مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق حاکی از آنند که از دید مهندسان ناظر فنی طرحها در ۷۶/۹ درصد ساختمان‌ها معیارها و موازین مربوط به الگوی مصرف انرژی از حد متوسط به بالا رعایت شده است و ۲۳/۱ درصد نیز ضعیف بوده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر پایه رویکردهای بوم‌شناختی مسکن مفهومی چندوجهی است که مفاهیمی مانند آسایش و امنیت، شیوه زیست، فرهنگ و هویت، پایگاه اجتماعی ساکنان و غیره را دربرمی‌گیرد. بدینسان معلوم می‌شود که مسکن نه صرفاً

رو به سمت جنوب بوده است، اما اینکه امروزه ۳۶/۵ درصد خانه‌ها در میان گروه بدون تسهیلات و ۲۷/۷ درصد خانه در میان افراد وام‌گیرنده رو به آفتاب نبوده بیانگر درجه عدول از الگوی بومی خواهد بود.

- الگوی فرم بیشتر خانه‌های اصلی در گذشته مستطیلی شکل بوده و غالباً به یک ایوان در سمت جنوب متصل می‌شد. الگویی که امکان سیرکولاسیون هوا را به خوبی میسر می‌ساخت. اما امروزه با الهام از معماری شهری بیشتر خانه‌ها مربعی شکل و یا چندوجهی هستند. بعلاوه ابعاد پنجره‌ها و عناصر درونی آن نیز دچار تحول شده است. انتقال عناصری مثل آشپزخانه، حمام و توالی به درون خانه اصلی از مظاهر الگوی جدید محسوب می‌شود.

- بررسی معیارهای مربوط به ضوابط خانه نشان داد که مهمترین پیامد طرح بهسازی مسکن روستایی در کم‌توجهی به مقوله کارکردهای جانبی مسکن قابل مشاهده می‌باشد. به گونه‌ای که برخی کارکردهای اصلی الگوی مسکن ناحیه مورد مطالعه در میان گروه دریافت‌کنندگان تسهیلات به شدت کاهش یافته است (جدول ۴). به منظور سنجش میزان این تغییرات در شاخص‌های مذکور و سطح معناداری آن از آزمون «کای اسکوئر» استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۹ انعکاس یافته است.

براین اساس باتوجه به سطح معناداری بدست آمده می‌توان استنباط نمود که در خصوص جهت‌یابی خانه اصلی و مکان‌یابی توالی در خانه تفاوت محسوسی میان دو گروه دریافت‌کنندگان تسهیلات و فاقد تسهیلات وجود دارد و بطور نسبی فرض H_0 تأیید می‌شود. اما در خصوص سایر شاخص‌ها فرض H_1 تأیید نمی‌گردد.

- بررسی شاخص متوسط مساحت زیربنا ساختمان مشخص نمود که مقدار آن در میان گروه نخست ۹۲/۲ مترمربع و در گروه دوم ۱۰۶/۶ مترمربع بوده و بیانگر تفاوت محسوسی است. این امر به شاخص تعداد اتاق نیز قابل تعمیم می‌باشد. نتایج آزمون تی تست آن در جدول ۸ انعکاس یافته است.

بر این اساس باتوجه به سطح معناداری بدست آمده می‌توان نتیجه گرفت که با ۹۵ درصد اطمینان از تفاوت شاخص‌های مربوط، متوسط حیاط و متوسط زیربنای ساختمان در دو گروه دریافت‌کنندگان تسهیلات و فاقد تسهیلات مطمئن بود. اما، این مقدار اطمینان برای شاخص متوسط تعداد اتاق میان دو گروه موردنظر ۹۹ درصد می‌باشد.

- بررسی شاخص جانمایی خانه اصلی در حیاط مشخص نمود که گرچه در گذشته الگوی غالب خانه‌های ترکمن صحرا در مرکز حیاط مستقر بود، لیکن امروزه گرایش به ساخت آن کنار معابر افزایش یافته است. به گونه‌ای که در میان هر دو گروه از جامعه حدود ۵۰ درصد خانه‌ها به کنار خیابان‌ها انتقال یافته است.

- بررسی شاخص ارتفاع بنا، معلوم نمود که در گذشته احداث خانه‌های دو طبقه در میان ترکمنها (بجز سواحل شرقی دریای خزر که به سبب پرهیز از رطوبت رواج بیشتری داشت) چندان مرسوم نبود و صرفاً به خانها و افراد ثروتمند اختصاص داشت. امروزه این رویه تغییر یافته و به پیدایش الگوی مسکن تجاری- مسکونی همانند شهرها منجر شده است. به گونه‌ای که در میان گروه نخست بالغ بر ۳۵ درصد و در گروه دوم ۴۷ درصد خانه اینگونه بودند.

- الگوی غالب شاخص جهت‌یابی خانه گرچه در گذشته

جدول (۹): نتایج آزمون کای اسکوئر برای مقایسه شاخص‌های ضوابط خانه در میان دو گروه از جامعه

معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره	نوع گویه
۰/۱۴۱	۳	۵/۴۶۳	جهت‌یابی خانه اصلی
۱/۰۰۰	۱	۰/۰۰۰	موقعیت خانه در حیاط
	-	۲۰۰	موقعیت آشپزخانه در داخل / بیرون خانه
	-	۲۰۰	موقعیت حمام در داخل / بیرون خانه
۰/۳۵۲	۱	۰/۸۶۶	موقعیت توالی در داخل / بیرون خانه
۱/۰۰۰	۱	۱/۰۰۰	داشتن یا نداشتن ایوان

انرژی و ۷۳/۹ درصد آنها شاخص مقاومت‌سازی در حد بسیار زیاد رعایت شده است.

- بررسی شاخص امنیت و حریم خانه نشان داده، اگرچه در گذشته الگوی غالب خانه‌های ناحیه مورد مطالعه فقدان دیوار و یا هرگونه حفاظ ایمنی بود، لیکن امروزه دیوارکشی پیرامون حیاط و نصب دروازه حیاط به شدت در حال گسترش می‌باشد. به گونه‌ای که حیاط بالغ بر نیمی از جامعه مورد مطالعه دارای دیوار بوده است.

- بررسی شاخص الگوی مصرف انرژی نشان داد، که در گذشته واکنش به شرایط اقلیمی در ساخت بنا از طریق طراحی اندازه پنجره‌ها و موقعیت آنها در نظر قرار می‌گرفته است لیکن امروزه، نظارت‌های فنی موجب شده است که بالغ بر ۷۶/۹ درصد آنها معیارهای ساخت در مصرف انرژی را با تغییر ابعاد بازشوها، مصالح و استفاده از پنجره‌های دوجداره بهبود بخشیده‌اند.

- بررسی شاخص مقاومت‌سازی مسکن که از طریق سنجش میزان شناژبندی پی، ستون‌ها و سقف خانه‌ها انجام گرفته، نشان داد که در میان دریافت‌کنندگان تسهیلات به طور کامل (۱۰۰ درصد) رعایت شده لیکن در میان گروه فاقد تسهیلات این عدد به کمتر از ۲۵ درصد می‌رسد. همچنین ۷۳/۹ درصد مهندسین ناظر طرح از رعایت این شاخص در حد زیاد و بسیار زیاد رضایت داشتند.

بنابراین با عنایت به مقادیر بدست آمده Sig طبق آزمون کولموگراف اسمیرنوف (جدول ۱۰) می‌توان استنباط کرد که بین فراوانی‌های مشاهده شده تفاوت‌های برابری وجود دارد زیرا اولاً تصاویر Sig هر سه شاخص کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد ثانیاً از ۷۶/۹ درصد ناظران طرح شاخص الگوی مصرف

جدول (۱۰): آزمون کولموگراف-اسمیرنوف رعایت شاخص‌های الگوی مصرف انرژی

شاخص	الگوی معماری روستا	مصرف انرژی	اصول مقاومت‌سازی
Kolmogrov-simrnovz	۱/۸۷۱	۱/۵۳۵	۱/۵۲۵
Asymp. Sig (2-tailed)	۰/۰۰۲	۰/۰۱۹	۰/۰۱۹

محاسبه با نرم‌افزار spss

منابع

- Werner, C.M; Altman, I. Oxleyd. D. (1986) temporal aspects of homes: atransactional perspective In Home Environments, edited by warner. C.M. and Altman I, Newyork and London, Plenum press.

- Low. S and Chambers. E (1989) Housing cultur, and Design, Edited by Low,s. and Chambers.E Philadelphia, university of pennsylvania press.

- Rapoport.A; (1977) Human, Aspects of urban form: towards a man, Environment Approach to urban form an Design, Peryamon.

- Rapoport.A (2005), cultur, Architecture, and Design, Locke Science Publishing Comany. Inc.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی؛ (۱۳۸۵)، مجموعه قوانین و مقررات اختصاصی عمران روستایی، معاونت عمران روستایی تهران

- سازمان برنامه و بودجه؛ (۱۳۷۸) سند برنامه، برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹، پیوست شماره نامه لایحه برنامه، جلد دوم، تهران و سازمان مدیریت برنامه ریزی (۱۳۸۵)، مجموعه اسناد ملی توسعه، برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، جلد دوم، تهران.

- دوران، دانیل. (۱۳۷۰)، نظریه عمومی سیستم‌ها، ترجمه محمد یمینی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران

- سایت مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، (۱۳۸۵).

- نظری، عبدالحمید، (۱۳۷۲)، شکل‌گیری و روند تحولات بافت روستاهای عشایری ترکمنصحرا، مورد: مجموعه اوباهای داز، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران،

- رهنمایی، محمد تقی: (۱۳۸۲) مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی-جغرافیا، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، چاپ سوم، تهران

- طاهباز، منصوره: (۱۳۶۱) اقلیم و معماری ۱ (خورشید و جهت‌گیری ساختمان) دفتر اول، دفتر فنی جهاددانشگاهی، دانشگاه شهید بهشتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی